

بقعه خضر همدان

محمدابراهیم زارعی

مقدمه

خضر^۱ وجود دارد (ش ۱). مردمی از اطراف همدان و جاهای دیگر به این روستا کوچیده و ساکن شده‌اند. برای همین جمعیت روستا نسبت به سال‌های پیش افزایش چشمگیری یافته اما ترکیب آن ناهمگون است.

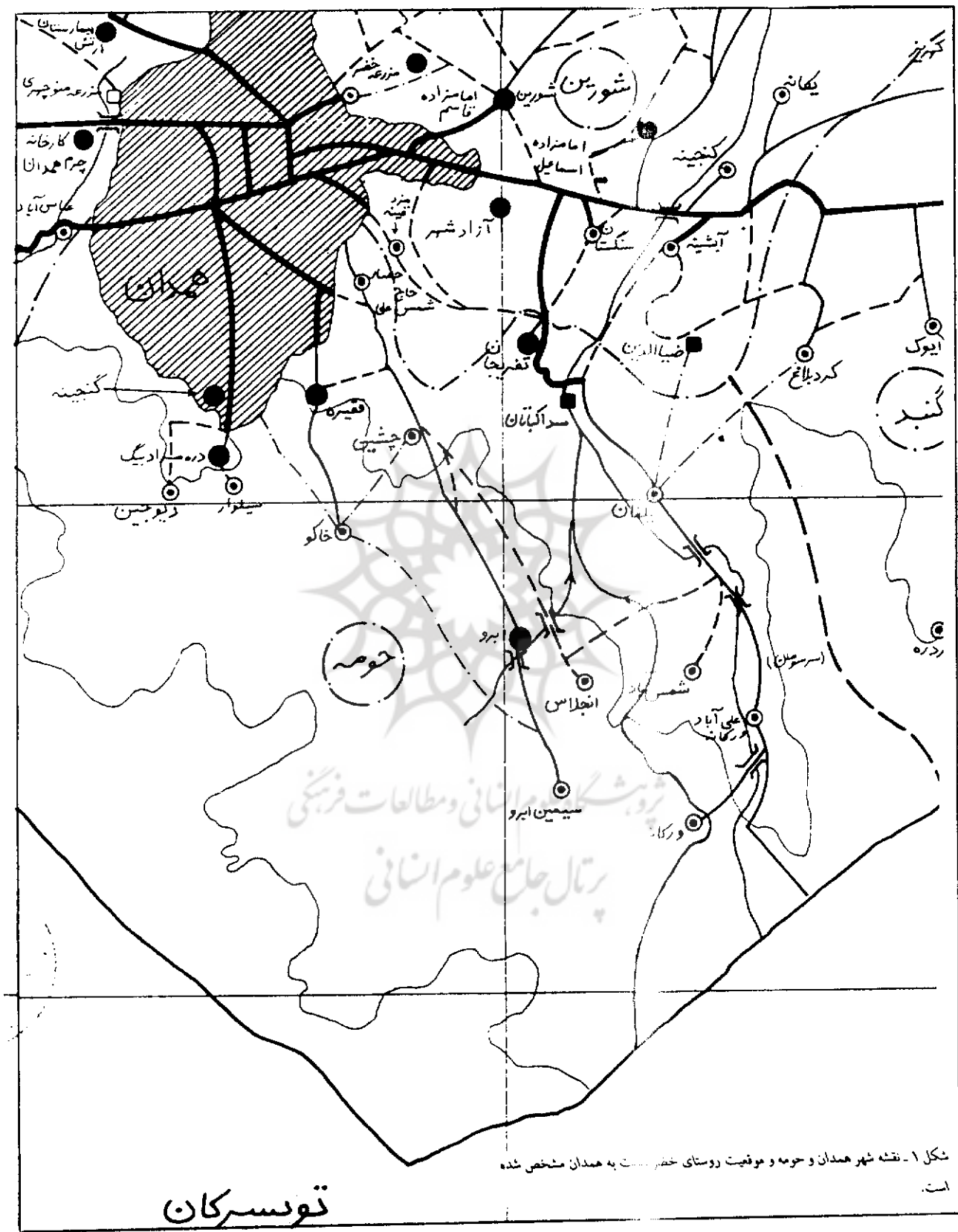
بقعه پیر خضر در روستای خضر (خدر) در سه کیلومتری شمال شرقی شهر همدان قرار دارد. این بقعه بر روی تپه نسبتاً بلندی در سمت شرقی روستای خضر به صورت بنایی منفرد برپاست. در نگاه نخست ساختمانی محقر و بی‌پیرایه می‌نماید. هر چند که از لحاظ معماری از مکعبی که گنبدی بر فرازش قرار دارد بیش نیست، اما از نظر کتیبه‌های خطی کوفی ایرانی و نوعی خط که نمی‌توانیم به علت نوع نگارش اسم خاصی بر آن گذارد، (ترکیبی از ثلث، نسخ، رقاع) و محراب گچی داخل بنا قابل تأمل و بررسی است. از سویی مضامین کتیبه‌های آن که اشعاری از شاهنامه فردوسی است اهمیت آن را دو چندان کرده است، محرابی زیبا با کتیبه‌ای به خط کوفی مشتمل بر فاتحه‌الکتاب زینت‌بخش ضلع سمت قبله بناست. ابیات فارسی و آیات فارسی و آیات قرآنی و دو عبارت عربی در بالا و داخل طاق نمای محراب بقعه نقش بسته است. همه اینها نگارنده را بر آن داشت تا این گفتار را درباره این اثر تاریخی بنگارد.

موقعیت جغرافیایی روستای خضر (خدر):

خضر (Xezr) یا مزرعه خضر روستایی از دهستان شورین که در سه کیلومتری شمال خاوری همدان و در دشتی هموار با آب و هوایی سردسیر واقع شده است.^۱ ساکنانش به فارسی سخن می‌گویند. مردان به زراعت و کار آزاد و زنان به قالی‌بافی و دیگر صنایع دستی اشتغال دارند. در این مکان بقعه‌ای به نام



نصویر ۱. مدخل ورودی بقعه خضر



تویسرکان

موقعیت بقعه خضر:

بقعه خضر که در تاریخ ۱۳۵۴/۲/۲۸ به شماره ۲/۱۰۷۷ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.^۲ بر روی تپه‌ای در سمت شرقی آبادی خضر (خدر) و در میان گورستانی قدیمی واقع گردیده که هنوز سنگ مزارهایی در پیرامونش به چشم می‌خورد که تعدادی از آنها در طاقچه‌های داخل بقعه قرار دارند^۴ و بر روی برخی از آنها نقوش و نوشته‌هایی به خط ثلث وجود دارد. چون بسیاری از خطوط و تاریخ سنگ‌قبرها محو شده‌اند و لیکن نمی‌توان تاریخ دقیقی از آنها ارائه نمود ولی احتمالاً هم‌زمان با ساختمان بقعه (قرون چهارم و پنجم هجری) باشند. در سال‌های اخیر سطح تپه و گورستان آن به کلی دگرگون شده و وضعیت اطراف بنا تغییر یافته است. همچنین بقایای بناهایی که تا چند دهه پیش در کنار بقعه وجود داشتند اکنون از بین رفته‌اند نیز قابل مشاهده است (تصویر ۲) و (شکل ۲).



تصویر ۲ - بقعه خضر از سمت غرب و بقایای اتاق تخریب شده

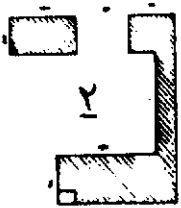
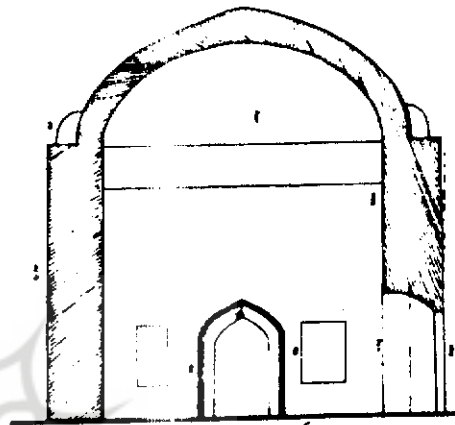
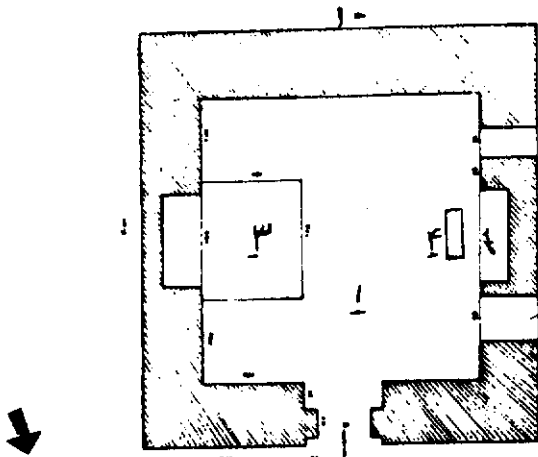
بقعه خضر در متون تاریخی:

مردم این منطقه واژه خضر (خدر) تلفظ می‌کنند. از بقعه خضر در متون تاریخی و جغرافیایی پیشین مواردی چند البته آن هم نه به صورت آشکار و مشخص سخن به میان آمده است. با اینکه بقعه قدمت قابل ملاحظه‌ای دارد، کمتر مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. در یکی از قدیمی‌ترین متون از جمله کتاب مثنوی تحفه‌العراقین خاقانی شیروانی از نام این منطقه و بقعه خضر سخن گفته شده است، همو نخست در مهاجرت از معسکر سلطان و صفت راه همدان فرماید^۵:

راه همدان به دیده پویی هذا البلد الامینش گویی
خضراش مثال کعبه دانی ارونش بوقییس خوانی

روستای خضر در مسیر کاروانرو همدان قرار داشته است، به طوری که قبلاً نیز اشاره گردید این روستا با شهر همدان بیش از سه کیلومتر فاصله ندارد. خاقانی هم از این طریق به همدان رفته و احتمالاً بقعه خضر در آن زمان دارای اهمیتی بوده دیده و آن را به خاطر شکل و فرم کعبی یا به دلیل وجود مریدان بسیار به کعبه مانند کرده است. خاقانی هنگام توصیف شهر همدان بار دیگر به ناحیه خضر اشاره کرده و چنین گفته است:

شهری بینی بهشت مرزش دهسکان ملک بکشت ورزش
پس ساخته خضر در حریمش حلوائی مزعفر از نعیمش^۶
باید اشاره کرد که در تأیید مطلب فوق‌الذکر راوندی (در کتاب راحه‌الصدور نوشته شده سال در ۶۲۵ هجری قمری) هم از محلی در نزدیکی همدان یاد کرده و چنین نوشته است: «شنیدم که چون سلطان طغرل بیگ به همدان آمد از اولیاء سه پیر بودند، باباطاهر، بابا جعفر، شیخ حمشا، کوهکیست بر در همدان آن را خضر خوانند، بر آنجا ایستاده بودند، نظر سلطان بر ایشان آمد...»^۷
از نوشته چنین استنباط می‌شود که سه پیر همدان در این محل به استقبال طغرل رفته‌اند و قرار داشتن خضر بر در همدان (بر سر راه) که محل ملاقات طغرل بیگ سلجوقی با پیران یاد شده است چرا که کوهکیست که کوه کوچک منظور است و همان تپه‌ای است که بقعه خضر بر روی آن ساخته شده است و به نظر



شکل ۱ - پلان و مقطع بقعه خضر همدان در چند دهه گذشته (از آرشيو ميراث فرهنگي همدان)

توضیحات:

- 1: پلان بقعه
- 2: پلان بنای تخریب شده در کنار بقعه
- 3: آثار کاشیکاری با یک متر ارتفاع (تخریب شده)
- 4: سنگ قبر نزدیک محراب (سنگ قرمزی)



تصویر ۳ - نمایی از بقعه خضر و بنای مجاور آن از جبهه شرقی در چند دهه گذشته (از آرشيو ميراث فرهنگي همدان)



تصویر ۳ - نمای غربی بقعه خضر همدان

قمری)^{۱۲} حتی پیش از آن تداعی می‌کند. البته انتشار وسیع این بناها با این گونه پلان، پس از پیروزی اسلام این نوع فرم معماری را سرمشقی آشکار برای آرامگاه‌های اسلامی ایران که طرح‌های نسبتاً مشابه دارند و در قرن‌های سوم و چهارم و پنجم بیشتر بناها را با این گونه پلانها ساخته‌اند.



تصویر ۴ - نمونه‌هایی از سنگ قبرهایی که قبلاً در داخل بنعه (داخل پنجره‌های بنعه) قرار دارند.

می‌رسد چنانچه به نوشته‌های خاقانی و راوندی استناد کنیم بقعه خضر قدیمی‌تر از زمان سلجوقیان است.

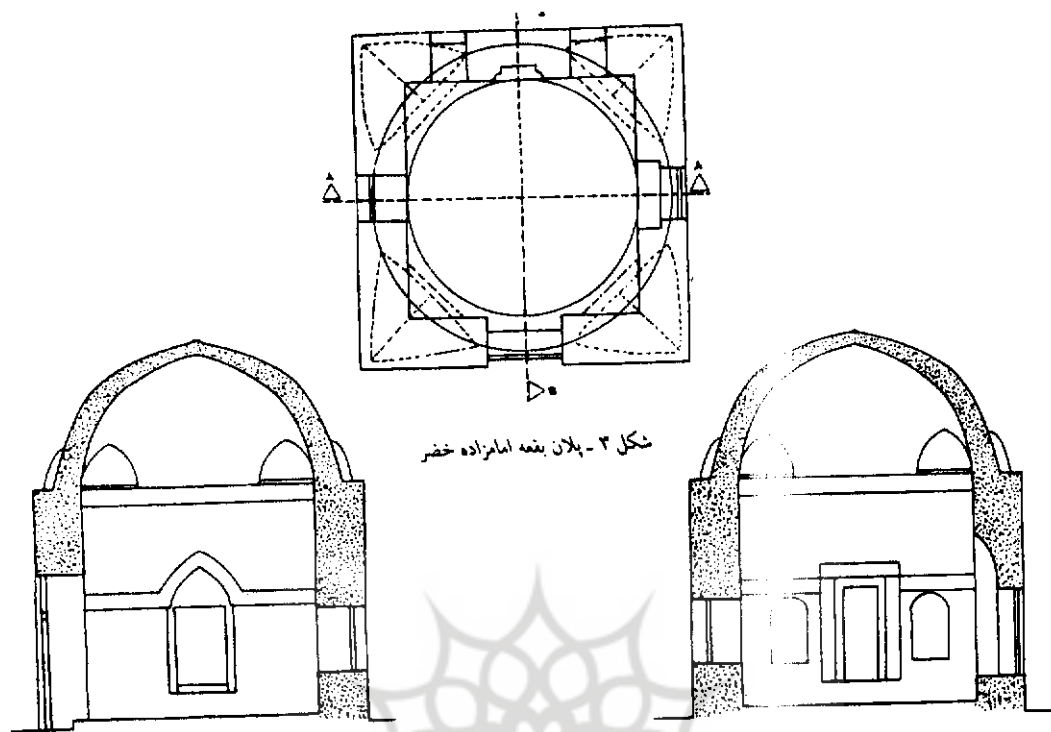
در سال ۱۳۳۲ ش مرحوم محمدمتقی مصطفوی بررسی مختصری درباره بقعه انجام داد. او درباره تاریخ ساختمان بقعه نظری نداده است و لیکن کتیبه‌های آن را متعلق به قرن هفتم و هشتم هجری دانسته است^{۱۳}

در دو دهه گذشته نیز در این بنا و پیرامون آن گمناهی‌های آزمایشی باستان‌شناسی انجام گرفته که در این بررسی‌ها و پژوهش‌ها بنا را متعلق به قرن چهارم و پنجم هجری دانسته‌اند و از دیوارهای کنار بقعه خضر یاد شده که بخش‌هایی از پی دیوار اتاق الحاقی است^{۱۴}. در ادامه گزارش از قبرهای چهار گوش در قسمت شرقی داخل اتاق اصلی بقعه نیز سخن به میان آمده که در حدود یک متر بلندتر و با کاشی‌های فیروزه‌ای مفروش بوده است^{۱۵} اما اکنون اثری از این قبر وجود ندارد (شماره ۳ در شکل ۲). ظاهراً ظروف سفالی و تعدادی قطعات سفال و همچنین چند سکه دوره صفوی با تاریخ ۱۰۸۹ هجری قمری ضرب همدان در نزدیکی بقعه کشف شده است. در ادامه گزارش درباره بقایای ساختمان الحاقی آمده که: چون پی‌های اصلی بنای الحاقی کراراً برداشته شده یا مرمت گردیده کار دوباره‌سازی آن به شیوه اصلی ممکن نیست^{۱۶}. این مطلب تا حدودی قدمت و همچنین تغییرات به عمل آمده در بقعه و پیرامون آن را مشخص می‌کند.

توصیف معماری بقعه:

بقعه خضر بنایی چهار ضلعی است که گنبدی کم‌خیز بر فراز آن قرار دارد. ابعاد آن از داخل ۴×۴ متر است و از بیرون به ابعاد ۶×۶ متر مربع است. دارای دو مدخل ورودی است: درگاه شمالی با ارتفاعی در حدود ۲/۵۵ متر که اکنون ورودی اصل بنا است. درگاه غربی به ارتفاع ۲/۳۵ متر و عرض ۱۱۰ سانتی‌متر است. ضمناً سه پنجره (بازشو) که دو تا از آنها در دیوار سمت بقعه (ضلع جنوبی) و در طرفین محراب قرار دارند و پنجره سوم در ضلع شرقی است (تصویر ۳).

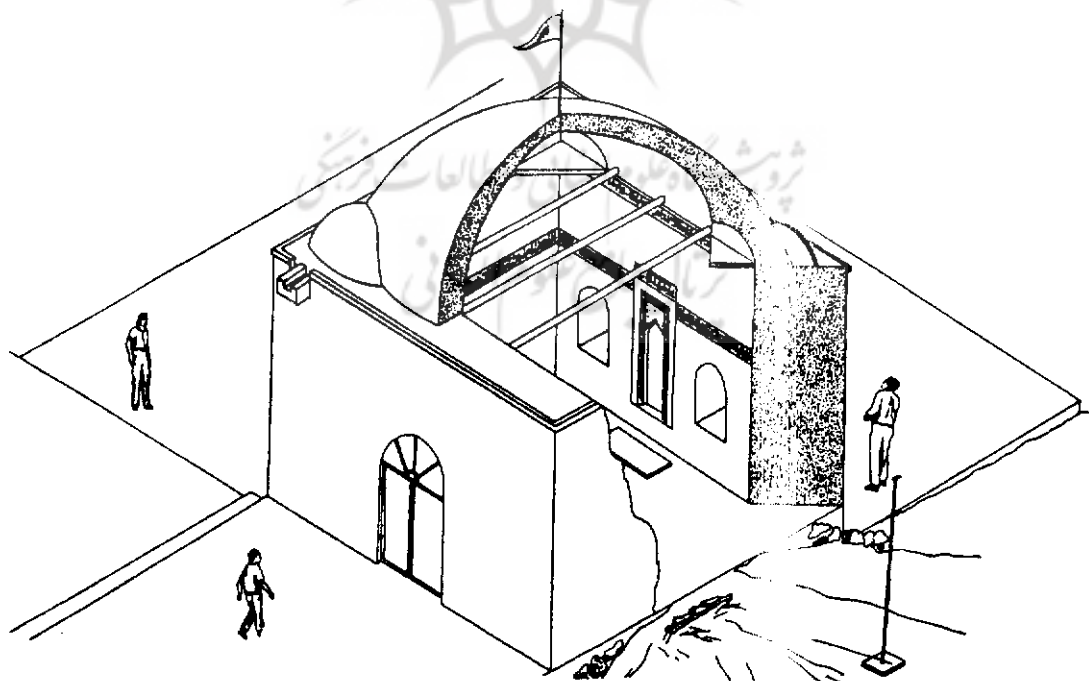
ارتفاع بقعه از سطح تپه و تا بالای گنبد ۷ متر و ضخامت دیوار حدود یک متر است (شکل ۲ و تصاویر ۱-۲). به طوری که اشاره گردید بقعه جزو مقابر چهارضلعی شمیران (قرن پنجم هجری



شکل ۳ - پلان بنام امامزاده خضر

پوش ب - ب

پوش 1-1



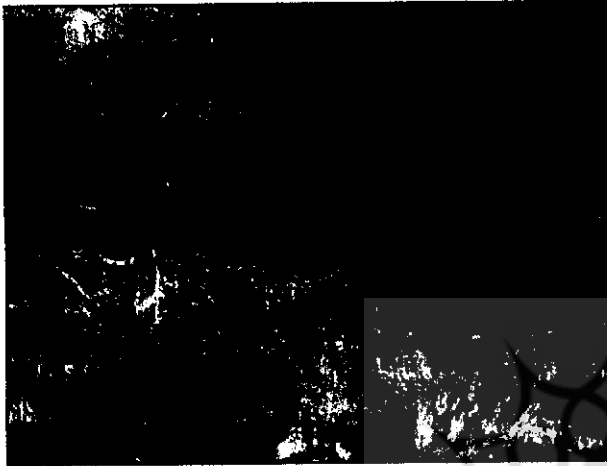
برسبکتیو بنام امامزاده خضر

مست (یا مست)

هر که آمد به جهان اهل فنا خواهد بود.

آنکه پاینده و باقیست خود آ خواهد بود.

کلمه خدا در مصرع به صورت «خود آ» نوشته شده است^{۱۴} و متأسفانه اکنون بیت فوق و اکثر واژه‌ها تخریب و یا محو شده‌اند (تصویر ۶) (شکل ۵).



تصویر ۶ - بقایای کتیبه خط نثک گچی اتاق تخریب شده

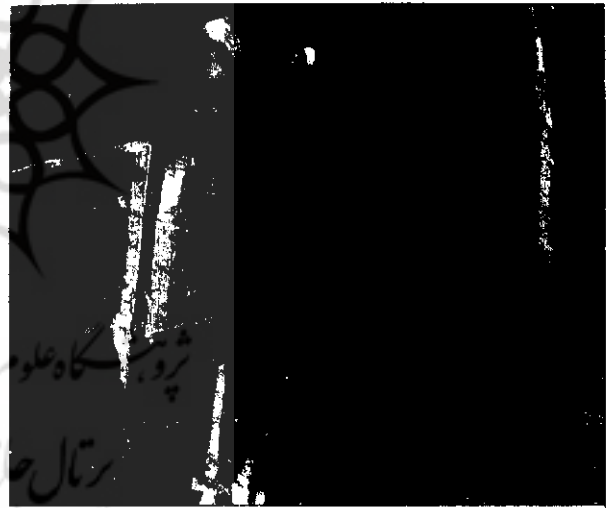
محراب بقعه:

در بیشتر بقاع متبرکه نیز به پیروی از مساجد، محرابی در سمت قبله ساخته شده است که این وضعیت در بیشتر مقابر اولیاءالله، عارفان، صوفیان محراب در ضلع قبله مشخص و نمایان‌تر است. در بقعه خضر محراب گچی زیبایی به طول ۲۲۰ سانتی متر و عرض ۱۴۰ سانتی متر ساخته شده است. در این محراب کتیبه‌هایی به خط ثلث و کوفی با مضامین قرآنی و عباراتی صوفیانه گجبری شده است (۳-۹) متأسفانه محراب فاقد تاریخ ساخت است. با توجه به نوع خط و وضعیت گجبری که دارد گمان می‌رود که مربوط به دوره ایلخانی (اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم) باشد. شیوه خط و کم برجستگی نوع گجبری مؤید مطلب فوق‌الذکر است.

باید خاطر نشان نمود که در بخش فوقانی محراب کتیبه‌ای به طور ۱۴۰ و عرض ۲۶ سانتی متر به خط ثلث که مشخص شد که

چنانکه یادآوری شد در ضلع غربی بقعه بقایای بنایی الحاقی مشهود است که آثار پاکار قوس و همچنین تزیینات گجبری، بخش‌هایی از کتیبه‌ای به خط ثلث گجبری شده و بر روی دیوارهای بنا وجود دارد. شاید این سؤال پیش آید که بنای الحاقی به بقعه اتاق یا ایوان است؟ قسمت اصلی بنا اتاقی است مربع که هر ضلع آن چهار متر و نیم طول دارد و در شمال آن اتاق دیگری وجود داشته که منهدم گردیده و فرو ریخته است و قسمت‌هایی از تزیینات دیوار جنوبی اتاق اخیر بر دیوار باقی می‌باشد^{۱۳}. (تصویرهای ۵-۶) (شکل ۲).

گنبد بقعه بر روی چهار گوشواره (سه کنج) قرار دارد (تصویر ۷). از نوع گنبد‌های یک پوسته کم‌خیز است. گردنی (گریو) گنبد در میان سه کنج‌ها قرار گرفته و با آجر ساخته شده است. نحوه آجرچینی رگ چین است و گمان می‌رود که گنبد آن در ابتدا هم یک پوسته بوده است. چون با بناهای ساخته شده در همان عصر قابل مقایسه است. به طوری که در بالا اشاره گردید بر روی دیوار بیرونی ضلع غربی بقعه پاکار قوس‌هایی قابل ملاحظه است که نشانگر اتاقی الحاقی (فضایی) به بقعه بوده است

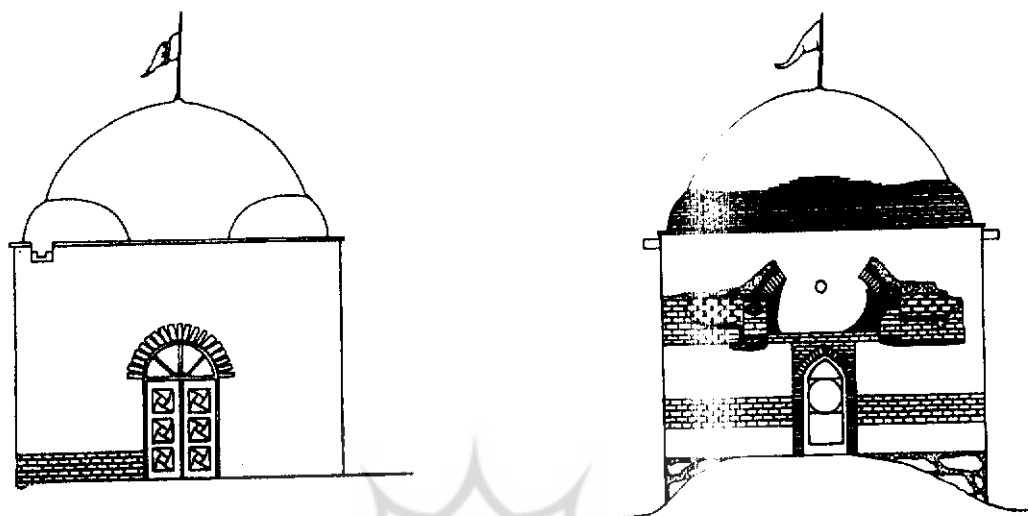


تصویر ۵ - بقایای گجبری‌ها و نوشته‌های اتاق تخریب شده

که از بین رفته است. علاوه بر آثار پاکار قوس‌ها و تزیینات گجبری بقایای کتیبه‌ای به خط ثلث گجبری شده وجود دارد و این واژه‌ها و ابیات قابل قرائت است:

بی سر آن... این کارها به کا

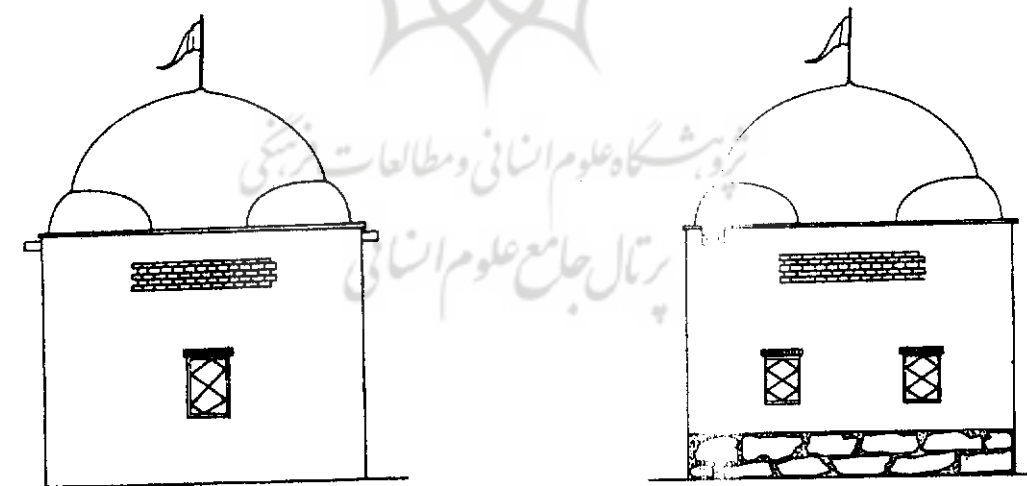
که را دارد... نیست است... هر که... نشاید



نمای شمالی

0 1 2 متر

نمای غربی



نمای شرقی

نمای جنوبی

شکل ۴ - نماهای بقعه امامزاده خضر

بعدها به بخش فوقانی محراب اضافه شده و خارج از کادر (قاب) محراب است به شرح ذیل است:

واقبل علی صلاتک مثل غافلین»

در این جمله به جای واژه‌های من الغافلین آخر عبارت به غلط مثل غافلین تحریر و گجبری شده است. مرحوم مصطفوی آن را از آیات قرآنی دانسته است^{۱۵} در صورتی که گمان می‌رود که عبارتی صوفیانه باشد. اما باید درباره کتیبه قابل اصلی محراب خاطر نشان نمود که کتیبه‌ای به خط کوفی برجسته گجبری شده که مشتمل بر سوره فاتحه‌الکتاب است با (بسمله) آغاز و به علت کمبود جا تا (غیرالمغضوب) گجبری شده است. متأسفانه بسیاری از کلمات کتیبه مذکور آسیب دیده و بویژه (بسمله) از آغاز کتیبه



تصویر ۸ - سنگ محراب داخل بنعه که در طاقچه قرار داد. عرض این کتیبه ۶۵×۲۱ سانتی متر است.

(قل الحمد لله الدائم الدوام)

کتیبه فوق به خط بسیار زیبایی نوشته و گجبری شده است. متأسفانه کلمات دچار تغییر رنگ و ساییدگی شده‌اند. این عبارت نیز همانند عبارت پیشین (اقبل علی صلاتک مثل غافلین) از آیات قرآنی و یا احادیث نیست و گمان می‌رود این جمله هم عبارتی صوفیانه باشد. البته در خصوص تشابه این کتیبه از نظر نوع نگارش و گجبری کاملاً متفاوت از کتیبه روی دیوارهای داخلی بقعه خضر است.

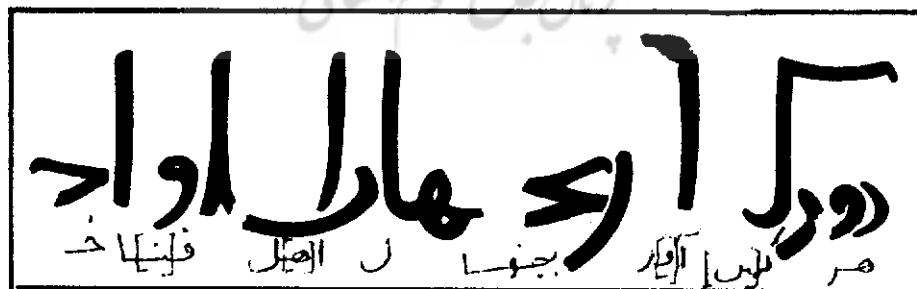
علاوه بر این بخش‌های زیادی هم از گجبری محراب به علت مواجه با آتش و شمع‌هایی که در این محل و در کنار محراب روشن شده در طول سالیان متمادی آسیب بسیار دیده که برخی



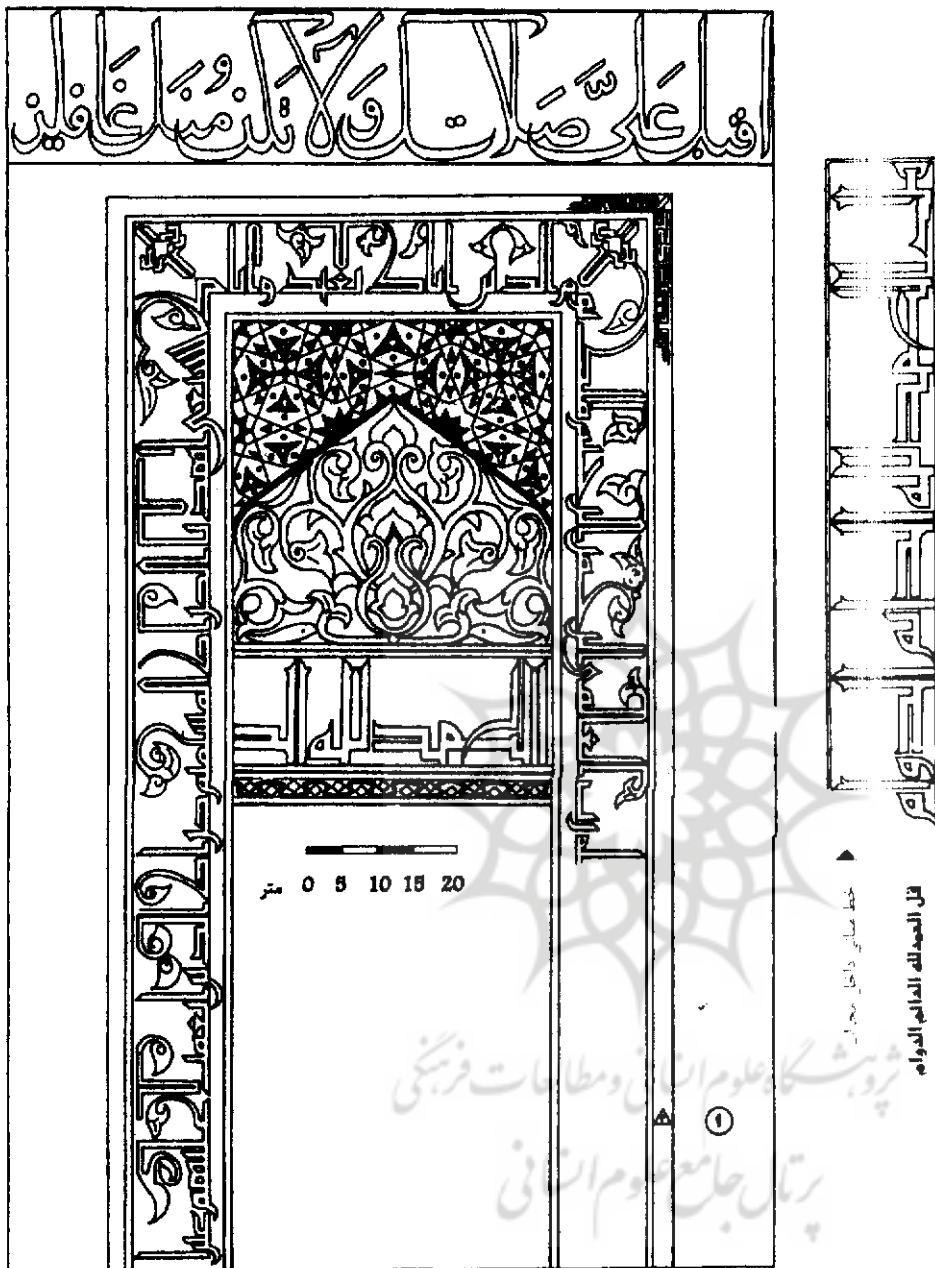
تصویر ۷ - نمای یکی از گوشوارهای زیرگنبد بنعه خضر (همدان)

محو شده است و «اهدنا صراط» از آیه (اهدنا الصراط المستقیم) محو شده است. پایان کتیبه نیز (انعمت علیهم غیرالم) تخریب و سائیده شده است (شکل ۶).

یکی دیگر از کتیبه‌ها در داخل طاق نمای محراب قرار دارد. عبارتی به شرح ذیل و به خط کوفی گجبری شده است. طول و



شکل ۵ - تزیینات آجرکاری و گچی و آثار کتیبه خط نلت از اتاق الحاقی بنعه خضر



شکل ۶ - نمای محراب بقعه

جمله «قل الحمد لله الدائم الدوام» هر چند که آسیب دیده و لیکن تفاوت آشکاری با نوع خط کوفی کتیبه دیگر بنا دارد. یادآوری این نکته ضروری است که قطعه‌ای از سنگ محراب نقش و نگار داری در داخل یکی از طاقچه‌های بقعه قرار دارد که گمان می‌رود به جای محراب کنونی بوده باشد. احتمالاً وقتی که محراب گچی ساخته شده این سنگ محراب را برداشته‌اند، زیرا

بخش‌ها رنگ گچ‌بری‌ها تیره شده است. علاوه بر کتیبه‌ها که به آنها اشاره گردید، نوار تزیینی در حاشیه محراب قرار دارد که عرض آن ۲۴ سانتی‌متر است و دور محراب را فرا گرفته است (تصویر ۱۴ و شکل ۷) و تزیینات گچ‌بری آن با طرح‌های هندسی و اسلیمی و به ویژه طرح‌های بیجان است. خط کوفی که مورد استفاده قرار گرفته، به ویژه در

که تاریخ ساخت محراب گچی موجود جدیدتر از تاریخ ساختمان بقعه خضر است و لذا احتمال می‌رود که این سنگ محراب همزمان با ساخت بقعه خضر باشد. (تصویر ۸)

سنگ قبر:

در داخل بقعه در نزدیکی محراب سنگ قبری از جنس سنگ مرمر قرار دارد که ابعاد آن ۶۰×۲۸ سانتی متر است. این سنگ مزار دارای نوشته‌ای به خط کوفی گل و برگ دار است. ولی متأسفانه بیشتر بخش‌های آن به علت پاخورگی و ساییدگی و جابجایی‌های مکرر آسیب دیده و به طور کامل مشخص نیستند. به احتمال فراوان نام صاحب سنگ قبر هم بر روی آن نقش شده بوده که به دلایل فوق‌الذکر محو گردیده است (تصویر ۱۵). در گزارش‌های میراث فرهنگی همدان از این سنگ قبر سخنی گفته نشده است و ظاهراً سنگ قبر در محل فعلی (مقابل محراب) قرار داشته ولی ارتباط بقعه با این سنگ قبر مشخص نگردیده است.^{۱۱}

تزئینات بقعه:

در نمای بیرونی بقعه خضر به جز در جبهه غربی تزئینات معماری وجود ندارد. آجر چینی آن (نما) معمولی است. گنبدش هم رنگ چین ساده و عاری از کاشیکاری و تزئین است. درگاه ورودی آن نیز از ارتفاع معمول برخوردار است. شاید این مسئله به عمد صورت گرفته تا وارد شوندگان با تواضع داخل بقعه شوند.

تزئینات بیرونی:

همان‌گونه که اشاره شده فقط در جبهه غربی بقعه که آن هم وضعیتی متفاوت دارد، بقایای تزئینات گچبری و کتیبه‌ای قابل مشاهده است. ما بخش‌های زیادی از آن از بین رفته است. طرح‌های آجری و مهرهایی در فاصله آنها حاکی از تزئینات زیبایی دارد که شامل گلبرگ‌های چند پر است و اثرشان بر دیوار است و این امر بیانگر این مسئله است که این تزئینات در داخل



تصویر ۱۰ - بخشی از تزئینات و کتیبه محراب بقعه خضر همدان



تصویر ۹ - نمای از محراب بقعه خضر همدان

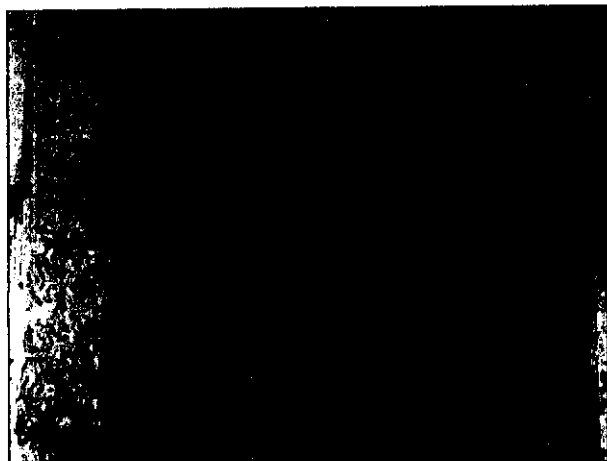
بنایی الحاقی قرار داشته است (بنگرید به صفحات پیشین). (ش ۵).

تزئینات داخل بقعه:

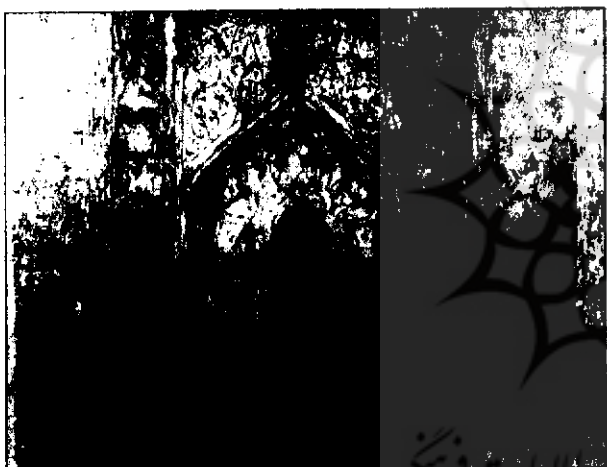
داخل بنا به جز محراب و کتیبه‌ها، عناصر تزئینی قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد. تمام سطوح دیوارها را با آندود گچ سفید کرده‌اند و اگر قبلاً تزئیناتی داشته ولی اکنون اثری از آنها دیده نمی‌شود.

کتیبه‌های بقعه:

داخل بقعه کتیبه‌های متعددی با خطوط کوفی و احتمالاً زینت بخش دیوارها است و به جز کتیبه‌های محراب، بقعه (بنگرید به محراب) کتیبه‌های دیگری بر سطوح دیوارها (چهار ضلع) با دو نوع خط (کوفی و نسخ) مشتمل بر اشعار و از شاهنامه فردوسی است که در کمتر بنایی از آثار معدود این دوره اسلامی در ایران دیده شده است.



تصویر ۱۲ - کتیبه خط ثلث بالای محراب مشتمل بر: «اقبل علی صلاتک و لا تنک من عافین» در بقعه خضر همدان



تصویر ۱۳ - بخشی از داخل طاق نمای محراب بقعه خضر که کتیبه خط کوفی مشتمل بر «قل الحمد، لله الدائم الدوام» را در زیر تزئینات داخل قوس نشان می‌دهد که متأسفانه بر اثر سایش کلمات محو شده‌اند.

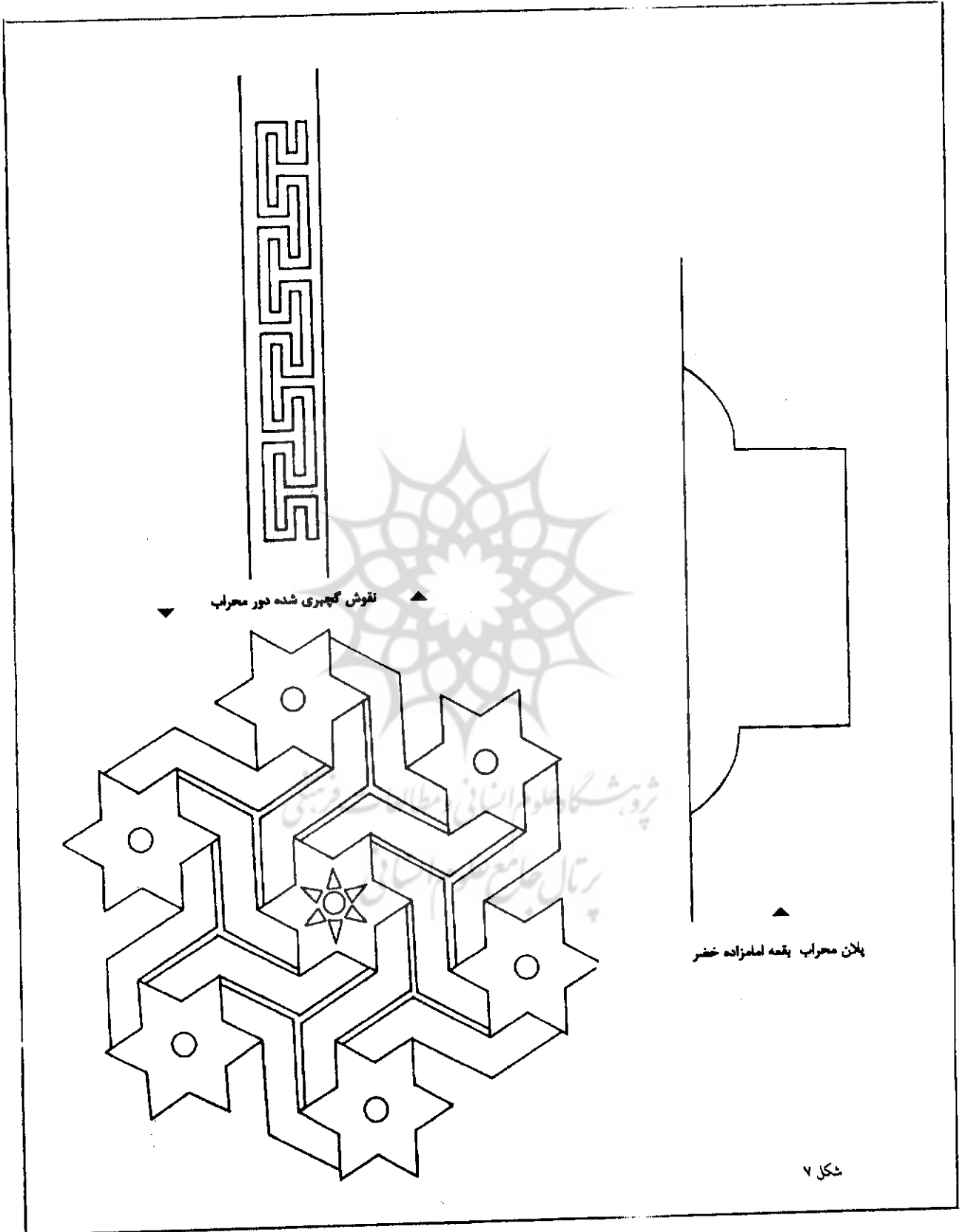
تزئینات آجرکاری و اثر مهرهای گچی از اتاق الحاقی بقعه خضر هر کس آمد به جهان اهل فنا خ[]واهد بود.



تصویر ۱۱ - بخش دیگری از تزئینات کتیبه خط ثلث محراب بقعه خضر همدان

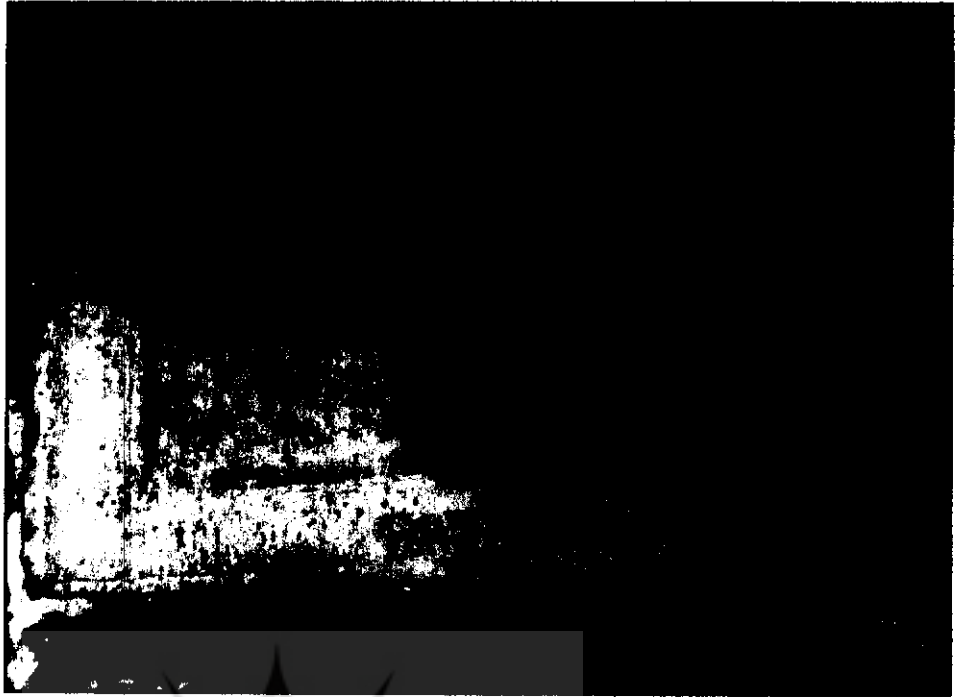


نمودار ۱۴ - نمونه‌ای از تزیینات گچبری حاشیه محراب بقعه خضر.





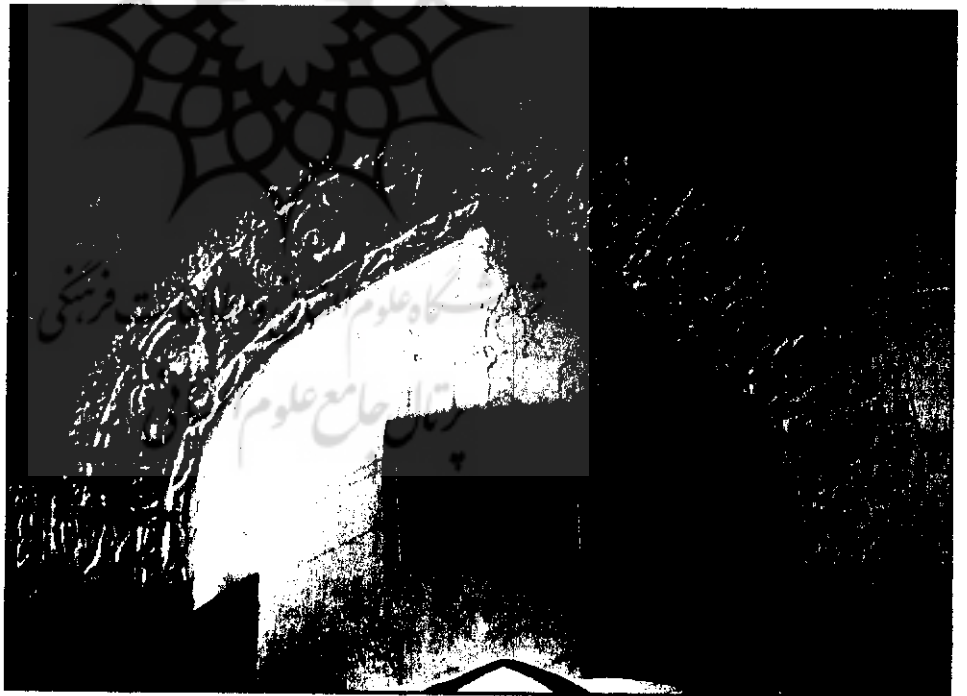
تصویر ۱۷



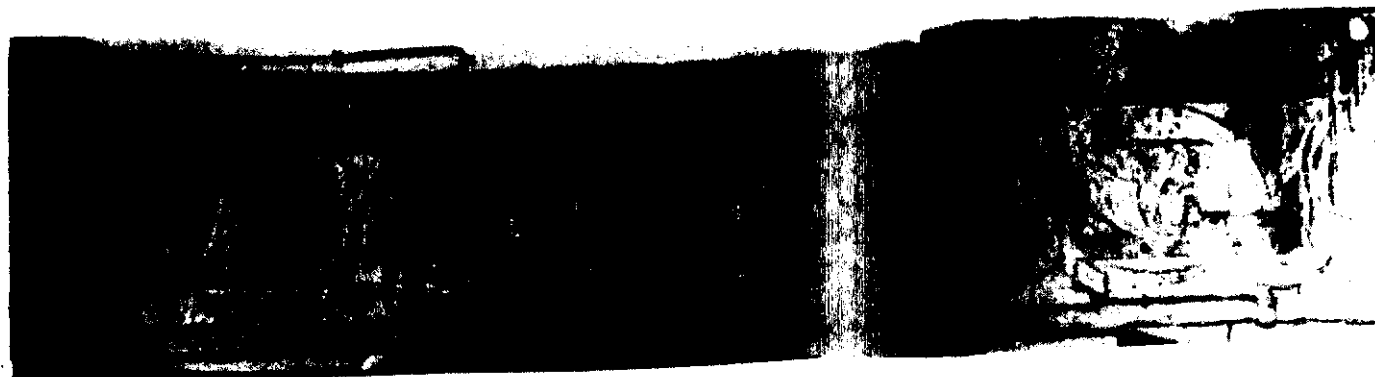
تصویر ۱۵ - سنگ قبر نزدیک محراب داخل بقعه خضر همدان که بیشتر کلمات آن محو شده است.



شکل ۸



تصویر ۱۶ - بخشی از کتیبه کوفی ریحانی که بر روی فوس درگاه ضلع شمالی بقعه خضر قرار دارد.



بنام خداوند جان (وخر)د

مخزین برتر اندیشه برنگذرد

الف) کتیبه خط کوفی:

این کتیبه در داخل بقعه و بر روی دیواره‌ای چهارگانه آن در ارتفاع دو متری نقش بسته است. عرض کتیبه در حدود ۲۵ سانتی متر است. کتیبه از سمت چپ محراب که در ضلع جنوبی بنا آغاز شده است با بیت آغازین شاهنامه فردوسی شروع شده که بر روی تمام اضلاع دیگر بقعه تداوم دارد و در نهایت در سمت راست محراب پایان می‌پذیرد که به طور کلی حدود ۱۴/۲۸ متر طول دارد. کتیبه حاوی ابیاتی از شاهنامه فردوسی است که برای جلوگیری از خطای خواننده محترم بر اساس آغاز و پایان کتیبه از ۱ تا ۱۰ شماره گذاری شده است:

بیت شماره ۱:

به نام خداوند جان [وخر]د [مخزین بر]تر اندیشه برنگذرد
این بیت آغازین شاهنامه فردوسی^{۱۷}. (تصویر شماره ۱۷ و شکل ۸)
بیت شماره ۲:

سمت دیده را اوست فریادرس میازید با ناز و نیرو بکس
این بیت از داستان پادشاهی اردشیر بابکان است^{۱۸}. در اینجا سؤالی مطرح است که آیا کتیبه‌نویس با آگاهی کامل این بیت را نوشته یا اینکه برحسب اتفاق! ولیکن ابیات و گزینش آنها نشانگر دقت و آگاهی سفارش دهنده و گچبر بوده است. (تصویر شماره ۱۸ و شکل ۹)
بیت شماره ۳:

خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی ده ره‌نمای
بیت دوم از شاهنامه فردوسی^{۱۹} اگر روال معمولی را طی می‌نمود قطعاً بایستی پس از بیت شماره ۱ می‌آمد ولیکن انتخاب و نگارش آن حائز اهمیت است. (تصویر ۱۹ و شکل ۱۰)
بیت شماره ۴:

که او آفرید این روان‌وخرد ستایش [مراو را] به‌اندر خورد
این بیت هم از مقدمه شاهنامه است^{۲۰} و فقط کلمه‌های (ید) از کلمه (آفرید) یا حرف (ا) از واژه (این) در مصرف اول مجزا نشده است. (تصویر شماره ۲۰ و شکل ۱۱)



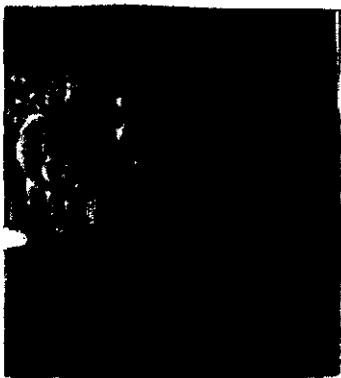
شکل ۹ ستم دیده را اوستا فریاد رس مہبازید باناز نیرو بکسر

بیت شماره ۵:

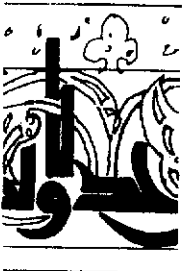
ازویست با [لا] ازویست پست همه بسنگاتیم ایزد یکت
این بیت از داستان پادشاهی منوچهر انتخاب و گچبری شده
است.^{۲۱} در مصرع دوم هم مرحوم مصطفوی معتقد است که به
جای واژه (یکست)، (پرست) صحیح تر است.^{۲۲} در صورتی که در
کتیبه هم یکیست نوشته و گچبری شده و در نسخه ژول مول کلمه
(یکیست) آمده است.^{۲۳} (تصویر ۲۱ و ش ۱۲).

بیت شماره ۶:

کجا شهریاران با تاج [و] تخت کجا پهلوانان پیروز بخت
از داستان اردشیر بابکان در شاهنامه است که در نسخه ژول
مول این بیت چنین آمده: کجا آن بزرگان با تاج و تخت - کجا آن
سواران پیروز بخت^{۲۴} و همچنین نسخه‌های دبیر سیاقی^{۲۵} و
پرتلس. ا. ای^{۲۶} با نسخه‌های ژول مور همخوانی دارد. البته
نمی‌توان این مورد را اشتباه تلقی نمود چون به جای واژه
(بزرگان) واژه (شهریاران) در مصرف اول و به جای واژه
(سواران)، (پهلوانان) تحریر و گچبری شده است. (تصویر



تصویر ۱۹



شماره ۲۲ و شکل ۱۳)

بیت شماره ۷:

کجا آن خردمند گند آوران کجا آن سواران جنگی سران

از داستان پادشاهی اردشیر بابکان در شاهنامه است ۲۷. در اکثر نسخ پس از بیت شماره ۶ آمده است. در مصراع دوم کلمه (خردمند) دوبار گجبری شده است که این واژه با شیوه خاصی هم گجبری شده است. احتمالاً گجبر و کاتب دچار اشتباه شده‌اند. مرحوم مصطفوی کلمه (جنگی) را در مصراع دوم (کنجی) خوانده بودند^{۲۸} در حالی که واژه (جنگی) درست نوشته شده فقط کمی حرف (ج) بد گجبری شده است. (تصاویر ۲۲ و شکل ۱۴).

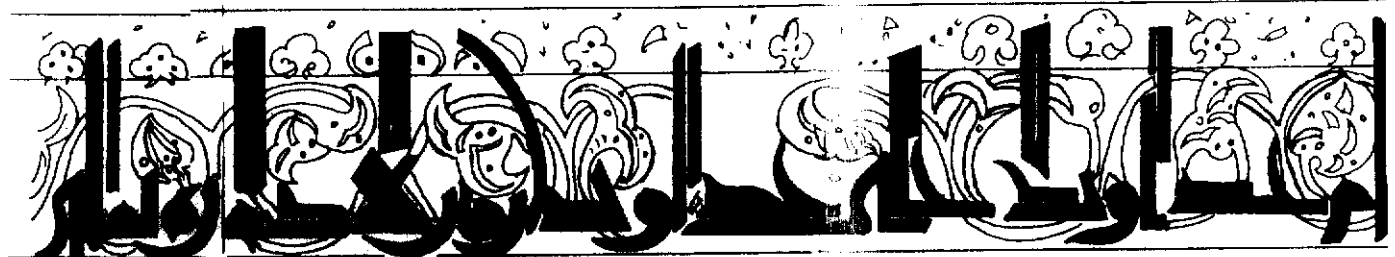
بیت شماره ۸:

مه خاک دارند بالین [و] خشت مگر آنکه جز تخم نیکی نکشت

بیت شماره ۸ در داستان‌های مختلفی از شاهنامه فردوسی تکرار شده است^{۲۹} و مقداری از کلمه (خشت) دچار ساییدگی شده است و در مصراع دوم واژه‌های (آنکه) و (جز) از م جدا نشده است و به جای (مگر آنکه) در این مصراع در بیشتر نسخه‌های شاهنامه^{۳۰} واژه (خنک) آمده است (تصویر ۲۴ و ۱۷).



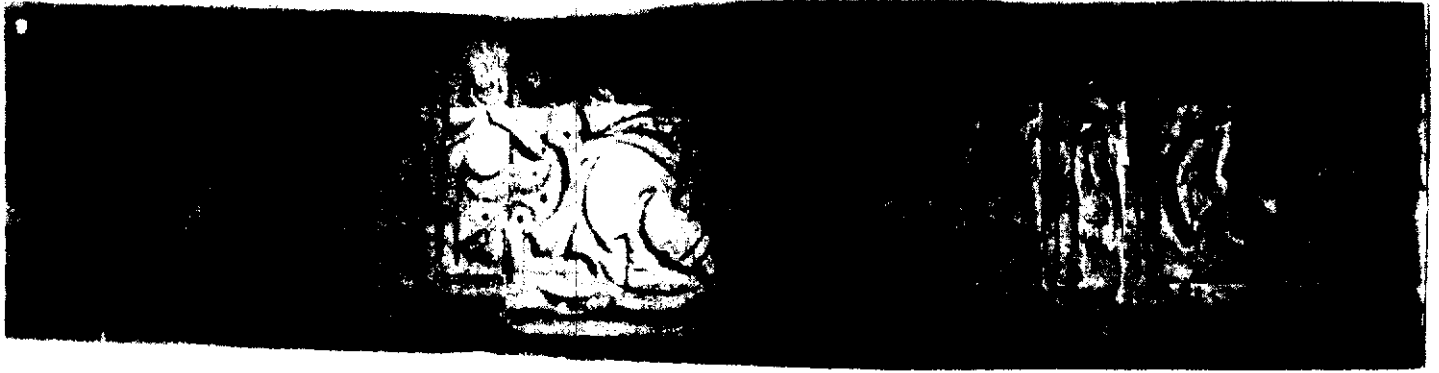
تصویر ۱۸



نکته: روزی ده و پنجای

نکته: نام و خداوند جای

شکل ۱۰



تصویر ۲۰



شکل ۱۱ که اوافرید این روان (و) خورد سنایش (مرا و را) به اندر خورد

بیت شماره ۹:

به نیکی بیاید تن آراستن که نیکی نشاید زکس خواستن
این بیت مربوط به داستان لشکر آراستن کیخسرو با
افراسیاب است^{۳۱} (تصویر ۲۵ و شکل ۱۶ و ۱۷)
بیت شماره ۱۰:

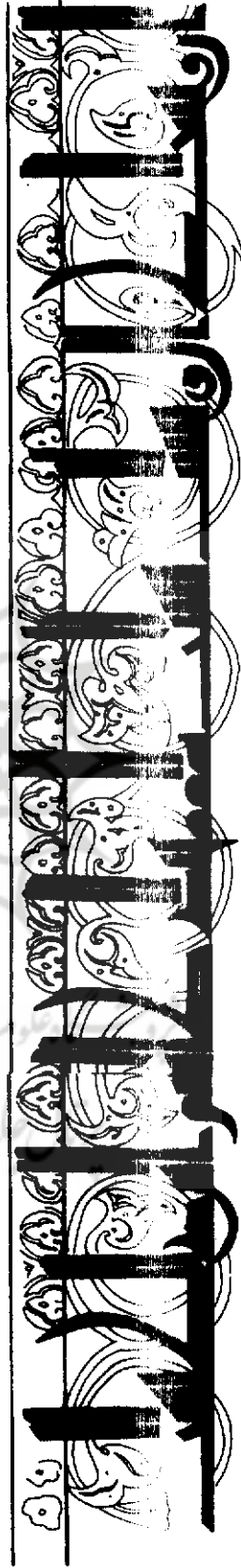
همی تا توانی به نیکی گذار

مصرع دوم این بیت به علت نبود جا گجبری نشده است. این
مصرع از داستان کاموس کشتانی است^{۳۲} که مصرع دوم آن (که
این است بر نیکیوی رهنمای) لذا احتمالاً کاتب و گجبر در این
مصرع اول گجبری شده دچار اشتباه شده‌اند چون گرای
صحیح‌تر است. ضمناً واژه (همی) در ابتدای مصرع اول به علت
ساییدگی به طور کامل مشخص نیست (تصویر ۲۶ و شکل ۱۸).
ابیاتی که از شاهنامه فردوسی با خط کوفی گجبری شده در
کمتر بنایی بجز در مواردی از اشعار کاشی‌های تخت سلیمان^{۳۳}
تکاب در آذربایجان غربی دیده نشده‌است. ابیات مزبور با اینکه
عموماً از یک بخش شاهنامه نیستند، اما انتخاب و گزینش و در

کنار هم قرارداد نشان بسیار جالب و حائز اهمیت است. این مسئله
تا حدی است که شاید تصور شود همه ابیات کتیبه مربوط به یک
داستان و یا موضوع واحدند. چون نوعی انسجام و تداوم در
ادبیات گجبری شده دیده می‌شود که قابل توجه است. هر چند که
در بررسی‌ها مشخص گردید ابیات فوق‌الذکر در برخی موارد
خالی از غلط‌های املائی نبودند. احتمالاً بر اثر اشتباه کاتب یا عدم
آشنایی استاد گجبر به خط کوفی پیش آمده است. اما این
اشتباهات از ارزش هنری و تاریخی کتیبه نمی‌کاهد بلکه حاوی
طرح‌ها و نقوش و نوعی خط کوفی ایرانی است که هم در زمینه
ادبیات و تزیینات وابسته به معماری و همچنین طرح‌ها و نقوش
اسلیمی قابل تأمل و بررسی بیشتر است. گمان می‌رود این ابیات
را باید با تفکرات صوفیان و یا فرقه‌ای به نام یارسان بی‌ارتباط
ندانست و زیر تأثیر شاه مبارک لرستانی (شاه خوشین) که در
قرن پنجم هجری به همدان آمده و مریدان بسیار داشته که از
جمله آن پیر خضر (بابا خضر) است را می‌توان نام بر^{۳۴}.



تصویر ۱۱



شکل ۸۲ ازوبیعت (با) لا ازوبیعت بیعت همه بخدا کانیم ایزد بکیست



شماره ۲۲

پژوهشگاه علوم انسانی
پرتال جامع علوم



کتابخانه‌ها و انجمن‌های پژوهش

شماره ۲۲ / کتابخانه‌ها و انجمن‌های پژوهش



تصویر ۱۴



شکل ۱۴ کجا ان خردمند کند اوران

..... کجا ان سواران جنگی سوران



شکل ۱۵

سواران جنگی سوار همه خاک دارند بالین و خشت

مگر آنکه جز تخم نیکی نکشت



تصویر ۲۴

پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تصویر ۲۵



به نیکی بیاید تن اراستن که نیکی

شکل ۱۶



نشاید زکس خواستن

که نهکی نشاید زکس خواستن

به نیکی بیاید تن اراستن

شکل ۱۷





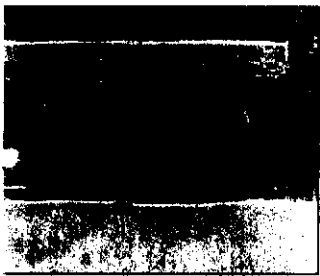
تصویر ۲۵



تصویر ۲۶



شکل ۱۸ (همی تا) توانی به نیکی کرای



تصویر ۲۷ - کتیبه خط نثک بالای دیوار سه



شکل ۱۹ - طرح کتیبه خط نثک بالای دیوار سمت قبله و محراب بقعه خضر (همدان)

ب) کتیبه خط نسخ:

یکی دیگر از کتیبه‌های دیوارهای داخلی بقعه که به صورت نواری در زیر پایه گنبد قرار گرفته کتیبه‌ای است که خط آن شبیه به خط نسخ است. این کتیبه از گوشه سمت راست دیوار ضلع جنوبی آغاز و بر روی اضلاع چهارگانه بقعه امتداد می‌یابد. طول این کتیبه ۱۶ متر است. کتیبه فوق مشتمل بر ابیاتی از شاهنامه فردوسی است که به ترتیب از ۱ تا ۸ شماره‌گذاری کرده‌ایم. بیت‌های شماره ۱ تا ۵ همان بیت‌هایی است که در کتیبه خط کوفی نیز آمده‌است. البته ذکر این نکته ضروری است که شاید تحریر و

گچبری ابیاتی که دوباره با دو نوع خط متفاوت نوشته شده است حاکی از تأکید کسانی باشند که به چنین کاری عبادت داشته‌اند.

بیت شماره ۱:

کجا شهریاران با تاج و تخت کجا پهلوانان پیروز بخت

بیت شماره ۲:

کجا آن خردمند گند آوران کجا آن سواران جنگی سران

بیت شماره ۳:

همه خاک دارند بالین و خشت مگر آن که در تخم نیکی نکشت

در این بیت که از داستان اردشیر بابکان است حرف (و) جا افتاده که دقیقاً این وضعیت هم در کتیبه خط کوفی نیز قابل مشاهده است. در مصراع دوم نیز از واژه‌های (آن که) و (جز) به صورت (آن کجز) گچبری شده است (تصویر ۲۷- شکل ۱۹).

بیت شماره ۴:

به نیکی نباید تن آراستن که نیکی نباید ز کس خواستن

بیت شماره ۵:

همی تا توانی به نیکی گرای که اینست بر نیکیی رهنمای
از داستان کاموس کشانی^{۳۵} است که در کتیبه خط کوفی فقط مصراع نخست آن نوشته شده بود که در اینجا مصراع دوم نوشته شده است^{۳۶} (تصویر ۲۸- شکل ۲۰).

بیت شماره ۶:

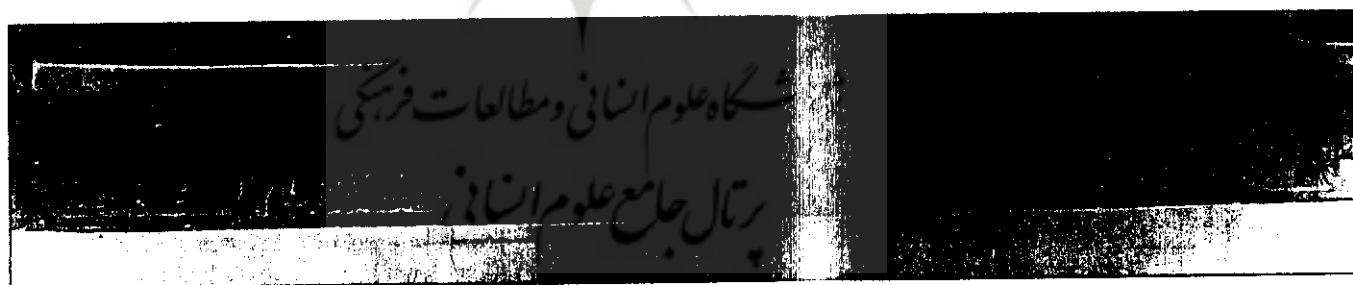
سرت گر باید به چرخ بلند سرانجامت خاکست جای گزند
این بیت از شاهنامه فردوسی است هر چند که در نسخه‌های مورد استفاده در دسترس نگارنده مشاهده نگردید. در مصراع دوم واژه (خاکست) است دوبار تکرار شده است، در حالی که (انجامت) از واژه سرانجامت از قلم افتاده است. (تصویر ۲۸- شکل ۲۰)

بیت شماره ۷:

که تخت و کله چون تو بیارید نخواهد همی یا کسی آرمید
بیت فوق از داستان پادشاهی نوزر است^{۳۷} (تصویر ۲۹، شکل ۲۱).

بیت شماره ۸:

جهانان ندانم چید کردی که خود پرورانی و خود بدروی
آخرین بیت کتیبه از داستان پادشاهی ضحاک مار دوش است^{۳۸}. در مصراع نخست این بیت واژه‌های (چه) و (بد) به صورت (چید) نوشته شده است که این کار در ابیات دیگر نیز به چشم می‌خورد که البته به نظر می‌رسد که احتمالاً این عمل به صورت عمد انجام می‌شد. در مصراع دوم نیز هم احتمالاً به جای واژه (بدروی) کلمه (بشکری) صحیح‌تر باشد^{۳۹}. (تصویر ۳۰- شکل ۲۲)



محراب بنامه خضر (همدان)



بیت شماره ۱: کجا شهریاران با تاج و تخت کجا پهلوانان پیروز بخت
بیت شماره ۲: کجا آن خردمند گند آوران کجا آن سواران جنگی سران



تصویر ۲۸:

ادامه کتیبه خط ثلث بالای دیوار سمت چپ محراب (قبله) بقعه خضر (همدان)
بیت شماره ۳: همه خاک دارند بالین و خشت مگر آن کجز تخم نیکی نکشت
بیت شماره ۴: بنکی بیاید تن آراستن که نیکی نشاید ز کس خواستن

شکل ۲:

طرح کتیبه خط ثلث بالای دیوار سمت چپ محراب (قبله) بقعه خضر



تصویر ۲۹: ادامه کتیبه خط ثلث بالای دیوار ضلع شرقی بقعه

بیت شماره ۵: همی تا توانی به نیکی گرای

که اینست بر نیکیوی رهنمای

بیت شماره ۶: سرت گر بساید به چرخ بلند

سر انجا کست [سر انجامست] خاکست جای گزند

شکل ۲۱: طرح کتیبه خط ثلث بالای دیوار ضلع شرقی



تصویر ۳۰: ادامه کتیبه خط ثلث بالای دیوار ضلع شمالی بقعه

بیت شماره ۷: [ک] تخت و کله چون تو بسیار دید نخواهد همی تا کسی آرمید

بیت شماره ۸: جهانان ندانم چند کردی که خود پرورانی و خود بدروی

شکل ۲۲: طرح کتیبه خط ثلث بالای دیوار ضلع شمالی

بینهای شماره ۷ و ۸ که در بالا به آنها اشاره گردید.



(شکل)

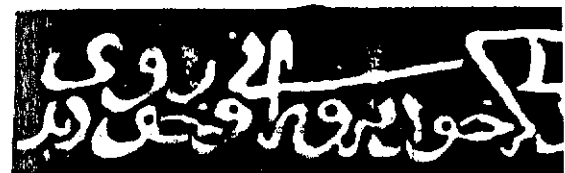
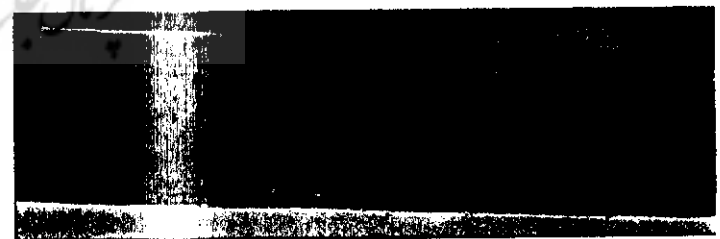
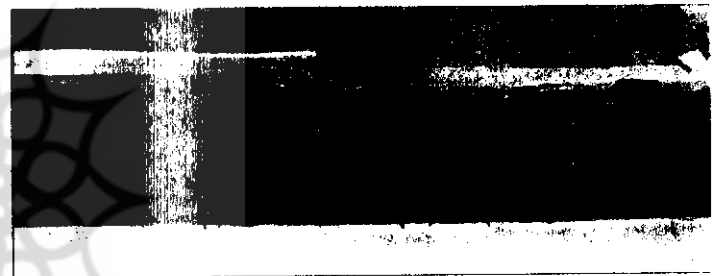
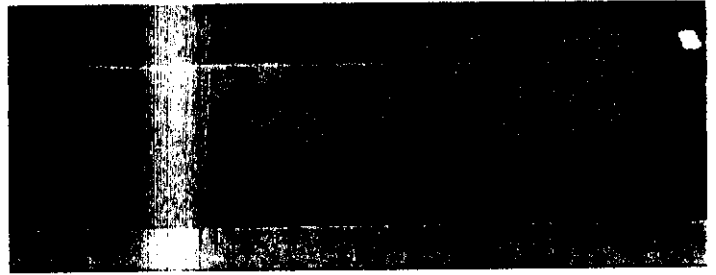
نوع خطی که این کتیبه به آن نگارش شده ترکیبی از خط ثلث و نسخ است ولی بیشتر به نسخ شبیه است و دارای اشکالاتی از نظر نگارش و جا افتادن برخی از واژه‌ها و حروف بوده است. دارای ارزش‌های هنری و ادبی است. در مقطع زمانی که نگارش و گچبری کتیبه مذکور انجام یافته تفکرات و اعتقاد خاصی در منطقه وجود داشته که قبلاً به آن اشاره گردید. استفاده از ابیاتی خاص از شاهنامه فردوسی تأکید بر روی برخی ابیات آن مؤید این موضوع است.

عملکرد بقعه:

با توجه به نوع پلان و بقایای اتاقی الحاقی در ضلع غربی بنا که قبلاً نیز به آن اشاره گردید و همچنین کتیبه‌ها و محرابی که در آن وجود دارد، احتمالاً بنا یک خانقاه یا یک زاویه عارفی، پیری باشد که در ادامه بحث به آن اشاره خواهیم نمود. مؤید این مطلب هم استفاده و عملکرد تعدادی از ابنیه مشابه است که امروزه به عنوان مقبره یا آرامگاه از آنها یاد می‌شود، یعنی در زمانی که صاحب بقعه در قید حیات بوده به عنوان یک مکانی که عبادتگاه بوده و در آن عبادت‌های عارفانه و صوفیانه انجام می‌گرفته است. چون عبارات، ابیات و آیات قرآنی که در کتیبه‌های این مکان مورد استفاده قرار گرفته است مؤید مطلب فوق است. لذا به نظر می‌رسد که این بقعه در ابتدا چنین وضعیتی داشته و بعد از آن که صاحب یا پیر این زاویه (خانقاه) فوت نموده در همین مکان دفن شده و پس از آن نیز به عنوان مقبره پیر یا صاحب بقعه تبدیل گردیده است که استفاده خانقاه یا زاویه نیز داشته و حتی مریدان او نیز سال‌ها بعد در آنجا مراسم و عبادات خاصی را به جای آورده‌اند و اکنون نیز به عنوان یک بقعه زیارتی است که بسیاری از مردم روستاها و شهر همدان در روزهای پنج‌شنبه و جمعه به زیارت این بقعه می‌روند.

صاحب بقعه:

نام و نسب صاحب بقعه هنوز برای ما مبهم است با این که در هیچ یک از متونی که به آنها اشاره شد و همچنین کتیبه‌ها و حتی سنگ قبر موجود نامی از صاحب بقعه نیست ولیکن در تحفه‌العراقین خاقانی شروانی^{۲۰} و راحه‌الصدور و راوندی^{۲۱} به



محلّی به نام خضر اشاره شده است. البته در اینجا ابهامی که وجود دارد این است که در منابع اخیرالذکر به مدفون بقعه هم اشاره‌ای نشده است. در همین مکان که پیرانی در استقبال همچون طغرل باباطاهر و باباجعفر حضور داشته‌اند و در همین دوره از پیری به نام (بابا خضر) یاد شده است. چون نشان از این گونه مردان و پیران و عارفان در سده‌های چهارم و پنجم و ششم هجری قمری فراوان است. در همین ارتباط در کتاب دانشنامه نام‌آوران یارسان^{۴۲} از یاران شاه خوشین^{۴۳} و (بابا طاهر) و (پیر خضر)^{۴۴} نام برده شده است. با توجه به مدارک فوق‌الذکر گمان می‌رود که این بقعه خانقاه یا زاویه پیری به نام (پیر خضر) باشد که هنوز در افواه محلّی هم این بقعه را به نام (بقعه پیرخضر) می‌شناسند. شاید پیران و عارفانی هم چون باباطاهر و باباجعفر و شیخ حمشا در این بقعه حضور می‌یافته‌اند و آموزش‌های عرفانی و صوفیانه داشته‌اند. مؤید این مطلب هم نوشته‌های تاریخی و هم عباراتی است که بر روی دیوارهای داخلی بقعه و بیرونی گچبری شده است. البته باید ذکر این نکته را هم یادآوری کرد که پیری به نام (شاه خوشین) در همین مقطع زمانی به همدان آمده و مدت زمان بسیاری در این شهر زیسته است^{۴۵}. مرحوم عندلیب زاده واعظ شهر همدان معتقدند که این بقعه مقبره سید فخرالدین برادر امامزاده یحیی از نوادگان امام حسن مجتبی در همدان است^{۴۶}. به هر حال چنین به نظر می‌رسد که احتمالاً بقعه خضر مربوط به فردی به همین نام (خضر) بوده که در بالا به آن اشاره گردید، البته با بررسی و پژوهش‌های علمی باستان‌شناسی در پیرامون و داخل بنا نتایج قطعی قابل حصول است.

زمان ساخت بقعه و کتیبه‌های آن:

مدرکی که دال بر زمان ساخت دقیق بقعه و کتیبه‌های آن باشد در دست نیست. البته مدارک و شواهدی که بتوان توسط آن زمان احتمالی بنا را مشخص نمود، مجموعه مطالبی است که در بالا به آن اشاره گردید. در کتاب فهرست بناها^{۴۷} و گزارش میراث فرهنگی همدان^{۴۸} زمان ساخت بقعه را مربوط به قرن چهارم و پنجم هجری قمری دانسته است. البته با توجه به مجموعه مطالب فوق‌الذکر و به ویژه سبک معماری بنا چه در ساخت گنبد، سه

کتیبه‌ها و بویژه نوع خط کتیبه‌های آن در نمای بیرونی (باقیمانده اتاق الحاقی) پیشنهاد می‌گردد که اگر تاریخ ساخت بقعه را به اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری قمری تغییر دهیم مناسب‌تر باشد. ضمناً زمان ساخت سنگ قبر هم با توجه به نوع خط کوفی آن احتمالاً مربوط به قرن پنجم هجری است.

زمان ساخت محراب هم به لحاظ تشابه نوع خط و نقش‌های اسلیمی آن با نوع خط و نقش‌های محراب‌های اوایل ایلخانی احتمالاً در اواخر قرن هفتم هجری ساخته شده است که وضعیت ساخت آن هم مشابه محراب‌های کم برجسته عصر ایلخانی است. اما کتیبه‌های خط کوفی و نسخ احتمالاً هم‌زمان باشند و مربوط به قرن هفتم هجری هستند البته مرحوم مصطفوی آنها را مربوط به قرن هفتم و هشتم دانسته‌اند^{۴۹}. به نظر می‌رسد نوع خط و تزیینات خطوط کوفی به تزیینات و خط محراب نزدیکتر است، به طوری که مشخص گردید محراب قبل از کتیبه‌ها ساخته شده لذا گمان می‌رود که کتیبه‌های خط کوفی و نسخ با شعر فردوسی در قرن هفتم هجری ساخته شده‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

در اینجا لازم است که از همکاری آقای سیدی کارمند محترم میراث فرهنگی استان همدان که عکاسی تصاویر کتیبه خط کوفی را متقبل شدند مراتب تشکر و قدردانی خود را اعلام دارم.

- ۱- فرهنگ ده‌های ایران، همدان، جهاد سازندگی، ۱۳۶۸، ص ۸۲.
- ۲- فرهنگ جغرافیایی ایران، جلد ۵، ۱۳۵۵، ص ۱۶۲.
- ۳- کتابخانه و مرکز اسناد میراث فرهنگی استان همدان.
- ۴- آقای عندلیب زاده واعظ که دست نوشته‌هایی منتشر نشده درباره بقاع متبرکه شهر همدان دارند. این بقعه را مقبره سیدمجدالدین برادر امامزاده یحیی از نوادگان امام حسن مجتبی دانسته‌اند و اراضی پیرامون بقعه و آبادی خضر را مجدآباد که در شمال شرقی همدان واقع است و با یک رشته قنات معتبر منسوب به او و اکنون آن را به نام وی می‌خوانند. آثار قبری هم در آن حوالی دیده می‌شود. (برای اطلاعات بیشتر بنگرید به انکایی پروین، فرمانروایان گمنام، ۱۳۶۹، ص ۲۶۷).
- ۵- خاقانی شروانی، مثنوی تحفه للعراقین، به تصحیح دکتر یحیی قریب، تهران، امیرکبیر، ۲۵۳۷، ص ۹۰.
- ۶- خاقانی شروانی، همان مأخذ، ص همانجا.
- ۷- الراوندی محمدبن‌علی بن سلیمان، راحة الصدور و آیه‌السرور در تاریخ آل سلجوق، به تصحیح محمد اقبال، تهران، امیرکبیر،

- ۳۱- دبیر سیاقی، همان، داستان سیاوش، بیت ۱۷۷۴، داستان پادشاهی اردشیر بابکان، بیت ۵۲۸/ پادشاهی گشتاسب، بیت ۱۲۰۴/ داستان لشکر آراستن کیخسرو با افراسیاب بیت ۳۱۱۶.
- ۳۲- مصطفوی، پیشین، ص ۲۰۲/ برتلس، پیشین، داستان پادشاهی اردشیر، بیت ۵۴۲/ ژول مول، همان، ج ۵، ص ۱۸۹، در این صفحه به جای (نکشت) کلمه (نهشت) آمده است.
- ۳۳- دبیر سیاقی، همان، داستان لشکر آراستن کیخسرو با افراسیاب، بیت ۳۱۲۰.
- ۳۴- دبیر سیاقی، همان، داستان کاموس کشانی، بیت ۱۷۰۵، ژول مول، همان، ج ۳، همان داستان، بیت ۱۵۹۳، ص ۷۰.
- ۳۵- بنگرید به: عبدالله قوچانی، اشعار فارسی کاشی‌های تخت سلیمان، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱، (کاشی‌های شماره ۴۰-۱۹)، ص ۵۸-۶۳.
- ۳۶- صفی‌زاده، صدیق، دوره هفتوا، سرانجام، تهران، طهوری، ۱۳۶۱، ص ۳۵.
- ۳۷- دبیر سیاقی، پیشین، همانجا، بیت ۱۷۰۵.
- ۳۸- ژول مول، ج ۳، بیت ۱۵۹۳، ص ۷۰، مصراع دوم آن: (ستایش کن او را که او رهنمای) است.
- ۳۹- دبیر سیاقی، پیشین، داستان پادشاهی نوزد، بیت ۵۶۱، که در نسخه ژول مول ج ۱ بیت شماره ۴۹۷، مصراع دوم چنین آمده است: (چنین داستان چند خواهی شنید).
- ۴۰- ژول مول، پیشین، ج ۱، ص ۵۷، از داستان پادشاهی ضحاک، بیت ۵۲۸.
- ۴۱- در نسخ ژول مول، همانجا این بیت چنین آمده است:
جهانا چه بد مهر و بد گهری که خود پرورانی و خود بشکری
- ۴۲- خاقانی، شروانی، پیشین، ص ۸۹-۹۰.
- ۴۳- الراوندی، پیشین، ص ۶۸.
- ۴۴- صفی‌زاده، صدیق، دانشنامه نام‌آوران یارسان، تهران، هیرمند، ۱۳۷۶، ص ۷۶.
- ۴۵- در میان پیران فرقه یارسان که به ترتیب رهبری این فرقه را داشته‌اند، نام مبارک شاه لرستانی ملقب به شاه خوشین بسیار مشخص‌تر است. وی در سال ۴۰۶ هجری قمری در لرستان متولد شد و در هنگام سی و دو سالگی خود را مظهرالوہیت خواند و گروه زیادی به او ملحق شدند و در سلک مسلکش درآمدند. وی از لرستان به همدان رفته و از باباطاهر همدانی هم دیدن کرده است. بنا به کتاب (دوره شاه خوشین) گروه زیادی از پیروان شاه تنبورزن بوده‌اند. نام چند تن از یارانش بدینگونه است: باباطاهر همدانی، بابا فقیه لرستانی، بابا حسن لرستانی، د. هندوله و پیر خضر. (برای اطلاعات بیشتر بنگرید به کتاب: دوره هفتوا، سرانجام، صدیق صفی‌زاده، تهران، طهوری، ۱۳۶۱، ص
- ۸- مصطفوی، محمدتقی، هگمتانه، تهران، بی‌نا، ۱۳۲۲، ص ۲۰۱-۲۰۲.
- ۹- گزارش بررسی و مرمت بقعه خضر، سال ۱۳۵۲ (آرشیو میراث فرهنگی همدان)، ص ۳.
- ۱۰- همان گزارش، همانجا.
- ۱۱- همان، ص ۵.
- ۱۲- پوپ، آتور، اپهام، معماری ایران (پیروزی رنگ بر شکل)، ترجمه: کرامت‌الله انسر، تهران، یساولی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۳-۱۰۲.
- ۱۳- هیلین براند، ربرت، مقابر، (آرامگاهها) در معماری ایران، (دوره اسلامی) به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵، ص ۲۳-۲۶.
- ۱۴- مصطفوی، پیشین، ص ۲۰۱.
- ۱۵- گزارش بررسی و مرمت بقعه خضر، ص ۳.
- ۱۶- مصطفوی، پیشین، ص ۲۰۲.
- ۱۷- مصطفوی، ص ۲۰۱، در برگ نبشته‌ای به خط نستعلیق نصب بر دیوار بقعه از این عبارت به عنوان آیه قرآن یاد شده است.
- ۱۸- گزارش پیشین، ص ۶.
- ۱۹- ژول مول، شاهنامه فردوسی، ۷ جلد، ج ۳، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۲، برتلس، ی ۱۰، شاهنامه فردوسی، ج ۷، ج ۱، مسکو، ۱۹۶۶، ص ۵۰.
- ۲۰- دبیر سیاقی، محمد، کشف الابیات شاهنامه فردوسی، دو جلد، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸، پادشاهی اردشیر بابکان بیت ۴۵۴ (شاهنامه دبیر سیاقی).
- ۲۱- دبیر سیاقی، همان مأخذ، مقدمه شاهنامه، بیت ۲، ژول مول، همان مقدمه بیت ۲.
- ۲۲- در کشف الابیات، دبیر سیاقی، آن را نیافتیم.
- ۲۳- دبیر سیاقی، پیشین، داستان پادشاهی مزداپهر، بیت ۷۹۴.
- ۲۴- مصطفوی، پیشین، ص ۲۰۲.
- ۲۵- ژول مول، پیشین، ج ۵، ص ۱۸۹، از وهست نیک و بد وهست و نیست
- همه بندگانیم و ایزد یکسیت
- ۲۶- ژول مول، پیشین، ج ۵، ص ۱۸۹.
- ۲۷- دبیر سیاقی، پیشین، داستان پادشاهی اردشیر بابکان، بیت ۵۲۶.
- ۲۸- برتلس، ی ۱، شاهنامه فردوسی، ۱۹۶۶، ج ۳، داستان پادشاهی اردشیر بابکان، بیت ۵۲۹.
- ۲۹- دبیر سیاقی، پیشین، داستان پادشاهی اردشیر، بیت ۵۲۷، ژول مول، ج ۵، ص ۱۸۹.
- ۳۰- مصطفوی، پیشین، ص ۲۰۲.

جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۸، ص ۹۵.
۵۰- گزارش بررسی و مرمت میراث فرهنگی سال ۱۳۵۳ و ۱۳۵۵ و دست
نوشته به خط نستعلیق بر دیوار بقعه خضر از طرف میراث فرهنگی
همدان نصب شده است.
۵۱- مصطفوی، همان مأخذ، ص ۲۰۳.

۳۵).
۴۶- ازکایی، پروین، باباطاهرنامه، هفده گفتار و گزینہ اشعار، تهران،
توس، ۱۳۷۵، ص ۴۲-۱۴۱.
۴۷- ازکایی، همان مأخذ، ص ۱۴۱.
۴۸- ازکایی، فرمانروایان گمنام، ص ۲۶۷.
۴۹- کیانی محمد یوسف، معماری ایران (فهرست بناها)، تهران،



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی